



هم کلاسی  
Hamkelasi.ir

## الدرس السادس برگرد

﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾ (سوره اعراف: ۷۴)

بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.

الدرس السادس (درس ششم)

المعالم الخلابه ( آثار جذاب)

إنَّ إيرانَ من الدَّولِ الجميلةِ في العالمِ و المشهوره بالكثير من المناطق الخلابه و المعالم التاريخية و الثقافيه؛ و فيها صناعات يدويه تجذب السائحين من كل العالم.

ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جذاب و آثار تاریخی و فرهنگی است و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می کند.

شهدت إيران في السنوات الأخيرة نموا ملحوظا في السياحة، فهي تستطيع أن تحصل من السياحة على ثروة عظيمة بعد النفط، يرى بعض السائحين إيران بلدا ممتازا لقضاء العطلات.

ایران در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه ای را در گردشگری شاهد بوده است ایران می تواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد. برخی گردشگران ایران را سرزمینی عالی برای گذراندن تعطیلات می بینند.

قامت منظمة اليونسكو بتسجيل مدن و مناطق ثقافية و تاريخية إيرانية في قائمة التراث العالمي؛ لأنها تجذب كثيرا من السائحين إليها.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است؛ زیرا ایران بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می کند.

من الآثار و المعالم التاريخية في إيران: از آثار و نشانه های تاریخی ایران:

مرقد الإمام الرضا عليه السلام و مرقد الفردوسي في مشهد، مرقد امام رضا(ع) و مرقد فردوسی در مشهد،

و مرقد السيدة معصومة عليها السلام مدينه قم، و مرقد بانو معصومه(س) در شهر قم،

و آثار برسبولیس و مقبرتا حافظ و سعدي في محافظة فارس، آثار پرسپولیس و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس

و «طاق بستان» و «کتیبه بیستون» في محافظة کرمانشاه، و طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه،

و قلعه «فلک الافلاک» في حرم آباد، و قلعه فلک الافلاک در حرم آباد،

و قلعه الوالی و غابات البلوط في ایلام؛ و قلعه والی و جنگل های بلوط در ایلام،

و «حمام گنجعلی خان» في محافظة کرمان المشهوره بإنتاج الفستق و السجاد،

و حمام گنجعلی خان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی،

و سَلَالَاتُ شَوْشْتَرٍ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَوْزِيسْتَانَ، وَأَبْشَارِهَاي شَوْشْتَرٍ وَ آرَامْگَاهِ دَانِيَالِ پِيَامْبِرٍ دَرِ خَوْزِيسْتَانَ، وَ مَرْقَدُ ابْنِ سِينَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِيِّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهْفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ، وَ مَرْقَدُ ابْنِ سِينَا دَانِشْمَنْدِ نَامِدَارِ جِهَانَ وَ غَارِ عَلِيصَدْرٍ مِنْ بَزْرگَتَرِينَ غَارِهَايِ آبِي جِهَانَ دَرِ هَمْدَانَ،

وَ الْعِمَارَاتُ الْأَكْرَبِيَّةُ فِي إِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدَّوْلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيَّةِ، وَ سَاخْتَمَانَهَايِ تَارِيخِي دَرِ إِصْفَهَانَ كِه سَازْمَانَ جِهَانِي يُونِسْكَو آن رَا دَرِ لِيَسْتِ مِيرَاثِ جِهَانِي ثَبْتِ كَرْدِه اسْت.

أَمَّا الْمُحَافِظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينِ (Caspian) فَهِيَ رَائِعَةٌ بِمَنَاطِرِهَا الْجَمِيلَةِ، وَ كَأَنَّهَا قِطْعَةٌ مِنْ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ.

أَمَّا اسْتَانَهَايِ شَمَالِي سِه گَانِه بَرِ سَاخِلِ دَرِيَايِ مَازَنْدِرَانَ بِه خَاطِرِ چَشْمِ نَدَازَهَايِ زِيَايِشَانِ جَالِبِأَنْدِ، وَ گُوِيِي تَگِه اِي از بَهْشْتَنْدِ وَ آنْهَا بَرَايِ كَارْتِ پَسْتَالِهَا مُنَاسِبِ هَسْتَنْدِ.

لَا بُدَّ مِنْ تَأْلِيْفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِي فِي إِيرَانَ، نَذْكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا:

بَرَايِ بَرِشْمَرْدَنِ مَنَاطِقِ دَارَايِ جَاذِبَةٌ گَرْدِشْگَرِي دَرِ إِيرَانَ نَاگَزِيرِ بِه نُوْشْتَنِ كِتَابِي بَزْرگِ هَسْتِيمِ، بَخْشِ دِيگَرِي از آنْهَا رَا ذَكْرِ مِي كُنِيمِ:

يَزْدَ وَ حَلَوِيَاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، يَزْدَ وَ شِيرِينِي جَاتِ وَ مَنَاطِقِ كُوِيرِي أَش

وَ تَبْرِيزَ وَ سُوْفَهَا الْمَشْهُورَةُ بِأَنَّهَا أَكْبَرُ سُوْقٍ مُسَقَّفَةٍ فِي الْعَالَمِ.

تَبْرِيزَ وَ بَازَارِ مَشْهُورِشِ كِه بَزْرگَتَرِينَ بَازَارِ سَقْفِ دَارِ (سِرْپُوْشِيْدِه) جِهَانَ اسْت.

وَ بَحْرِةَ زَرِيْبَارِ فِي مَرِيْوَانَ، وَ قُبَّةَ سُلْطَانِيَّةِ فِي زَنْجَانَ، وَ مَتْحَفَ التَّرَاثِ الرَّيْفِي قُرْبَ رَشْتِ، وَ آلَافَ الْمَنَاطِقِ الْآخَرِي.

دَرِيَاچَهَ زَرِيْوَارِ دَرِ مَرِيْوَانَ، گَنْبِدِ سُلْطَانِيَّةِ دَرِ زَنْجَانَ، مَوْزَهَ رُوْسْتَايِي نَزْدِيكِ رَشْتِ وَ هَزَارَانَ مَنَطَقَهَ دِيگَرِ.

فَتَنَوُّوعُ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِي فِيهَا يُشْجِعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ.

تَنَوُّوعِ آثَارِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارِ وَضْعِيَّتِ اِيْمَنِ، گَرْدِشْگَرَانَ رَا بِه سَفَرِ بِه إِيرَانَ بَرَايِ دِيْدَنِ زِيَايِي آثَارِ وَ طَبِيعَتِ جَدَّأَبْشِ تَشْوِيْقِ مِي كُنْدِ.

## ☆ الْمُعْجَم ☆ برگرد

قَضَاءُ الْعَطَلَاتِ : گذراندن تعطیلات كَهْفٌ : غار «جمع: كهوف» لِابْدٍ مِنْ : ناگزیر مَعَالِمٌ : آثار مَلْحُوظٌ : قابل ملاحظه مَنَاطِقُ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ : مناطق دارای جاذبه جهانگردی نَفْطٌ : نفت وَقَعَ : واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد (مضارع: يَفْعُ) يَدَوِيَّةٌ : دستی	خَلَابٌ : جذاب «معالم ایران الخلابة» آثار جذاب ایران سَجَادٌ : فرش سِيَاحَةٌ : جهانگردی، گردشگری شَاطِئٌ : ساحل «جمع: شواطئ» صَحْرَاوِيَّةٌ : کویری رَائِعٌ : جالب رِيْفِيٌّ : روستایی عَطَلَةٌ : تعطیلی عِمَارَةٌ : ساختمان فُسْتُقٌ : پسته قَائِمَةٌ : لیست قُبَّةٌ : گنبد	أُثْرِيٌّ : تاریخی اِحْتَوَاءٌ : دربرگرفتن اِحْصَاءٌ : شمارش أُطْوَلٌ : بلندترین بَحِيرَةٌ : دریاچه بَرِيدٌ : پست «بطاقة بريدية: کارت پستال» تَرَاثٌ : میراث تَسْجِيلٌ : ثبت کردن ثَقَافِيَّةٌ : فرهنگی جَذْبٌ : جذب کرد حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد حَلَوِيَّاتٌ : شیرینیجات
--	--	---

## 📖 حَوْلَ النَّصِّ برگرد

📌 اِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَن جَوَابِ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

در متن درس جوابی کوتاه برای این سوالها جست و جو کن.

۱- مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ؟ جواب ﴿ كَهْفٌ عَلِيٌّ صَدْرٌ فِي هَمْدَانَ ﴾  
 ترجمه: اسم غاری که از طولانی ترین غارهای آبی جهان است، چیست؟

۲- مِمَّ ١ تَسْتَطِيعُ إِيرَانَ أَنْ تَحْصَلَ عَلَيَّ ثَرَوَةٌ بَعْدَ النِّفْطِ؟ جواب ﴿ مِنْ السِّيَاحَةِ ﴾  
 ترجمه: ایران بعد از نفت از چه چیزی می تواند ثروت به دست آورد؟

۳- أُذْكَرُ عِمَارَةً مِنْ الْعِمَارَاتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ. جواب ﴿ جِسْرٌ خَوَاجُو \* ﴾  
 ترجمه: بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان را بیان کن.

۴- أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟ جواب ﴿ الصَّنَاعَةُ الْيَدَوِيَّةُ ﴾  
 ترجمه: کدام صنعت ایرانی جهانگردان را از کل جهان جذب می کند؟

۵- أَيْنَ تَقَعُ ٢ قَلْعَةُ الْوَالِي؟ جواب ﴿ فِي إِيلَامِ ﴾  
 ترجمه: قلعه والی کجا واقع است؟

۱- مِمَّ = مِنْ + مَا : از چه      ۲- تَقَعُ : واقع است      \* از متن درس حذف شده ولی فعلا در درک مطلب آمده است.

## ه اِعْلَمُوا ه برگرد

### إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْأِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ

اعراب به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع‌اند: **مَعْرَبٌ** و **مَبْنِيٌّ**

علامت حرف آخر بیشتر اسم‌ها با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به آنها «مَعْرَبٌ» گفته می‌شود؛ بیشتر

اسم‌ها معرب‌اند؛ مانند «اللَّهِ» در جمله‌های زیر:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الْأَحْزَاب: ۵۱

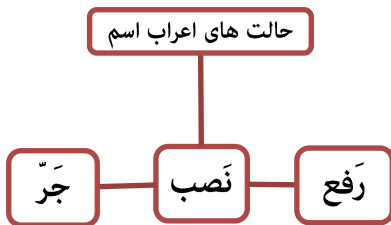
﴿وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرف آخرشان ثابت می‌ماند که «مَبْنِيٌّ» نامیده می‌شوند؛ مانند: ضمائر

(أَنْتُمْ، كُمْ، ...): اسم اشاره (هَذَا، ذَلِكَ، ...):

کلمات پرسشی (أَيْنَ، مَنْ، ...)

حالت های اعراب اسم



### حالت های اعراب اسم:

اعراب رفع و علامت آن «**ـَ ، ـِ ، ـِ**» و **وَنَ** در جمع مذکر، **اِنِ** در مثنی «است؛

مانند **اَلْكَاتِبُ، كَاتِبٌ، اَلْكَاتِبُونَ، اَلْكَاتِبَانِ**

اعراب نصب و علامت آن «**ـَ ، ـِ ، ـِ**» **يِنَ** در جمع مذکر، **يِنِ** در مثنی «است؛

مانند **اَلْكَاتِبِ، كَاتِبًا، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ**

اعراب جر و علامت آن «**ـِ ، ـِ ، ـِ**» **يِنَ** در جمع مذکر، **يِنِ** در مثنی «است؛

مانند **اَلْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ**

کلمه دارای اعراب رفع را «مرفوع»؛

دارای اعراب نصب را «منصوب»؛

و دارای اعراب جر را «مجرور» می‌نامند.

### كَمْ اِخْتَبَرَ نَفْسَكَ (۱): عَيْنُ اِعْرَابِ الْاَسْمَاءِ الْمُلَوَّنَةِ الْمَرْفُوعَةِ وَالْمَنْصُوبَةِ وَالْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ الطَّالِبُ الْمَجْدُ قَصِيدَةً رَائِعَةً. دانش آموز کوشا قصیده جالب و دل‌انگیزی خواند.

الطالب: فاعل و مرفوع به ضمّه / قصیده: مفعول و منصوب به فتحه

۲- لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْاَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. چیزی روی آثار تاریخی ننویس.

التاريخية: صفت و مجرور به کسره

۳- رَسَمَ الْاَوْلَادُ صُورَةً جَمِيلَةً عَلَى رَمْلِ السَّاحِلِ. فرزندان عکس زیبایی روی ماسه ساحل کشیدند. رمل: ماسه

الاولاد: فاعل و مرفوع به ضمّه / جميلة: صفت و منصوب به فتحه / الساحل: صفت و مجرور به کسره

با نقش های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اعراب این نقش‌ها آشنا شوید.  
فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول، منصوب است (البته هنگامی که یک اسم ظاهر باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قالوا هذا ما وعدنا الله ﴿الأحزاب: ۲۲﴾

فاعل و مرفوع به واو      مفعول و منصوب به فتحه      فاعل و مرفوع به ضمّه  
و وقتی مؤمنان دسته های دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا به ما وعده داده است.»

مَرَّةً الْعِلْمُ إِخْلَاصَ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

مبتدا و مرفوع به ضمّه      خبر و مرفوع به ضمّه  
نتیجه عقل، اخلاص در کار است.

**کسرِ اِخْتِيارِ نَفْسِكَ (۲):** اَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةَ.

۱- مَدِيرَ الْمَدْرَسَةِ وَاقِفَ اِمَامَ الْاِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.

مدیر مدرسه مقابل صف صبحگاه ایستاده است.

- مَدِيرَ : مبتدا و مرفوع به ضمّه / - وَاقِفَ : خبر و مرفوع به ضمّه

۲- اَللَّوْنُ الْبِنْفَسَجِيِّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مَهْدِيٌّ الْاَعْصَابِ.

رنگ بنفش برای اتاق خواب آرامش بخش اعصاب است.

- اَللَّوْنُ : مبتدا و مرفوع به ضمّه / - مَهْدِيٌّ : خبر و مرفوع به ضمّه

۳- لَا يَصْدُقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.

عاقل سخن کسی را که زیاد دروغ می‌گوید باور نمی‌کند.

- اَلْعَاقِلُ : فاعل و مرفوع به ضمّه / - قَوْلَ : مفعول و منصوب به فتحه

**اعرابِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ اِلَيْهِ**

با صفت و مضاف‌الیه در پایه نهم آشنا شدید. صفت در اعراب تابع ( پیرو) موصوف خودش است و اعراب مضاف‌الیه

جر است ( مضاف‌الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت **ـِ**، **ـِ**، **ـِ** یا **بِنِ** است).

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضاف‌الیه داشته باشند؛

مثال:

اَللَّوْنُ      اَلْاَبْيَضُ      لَوْنُ      اَلهُدُوءِ

مبتدا و مرفوع به ضمّه      صفت و مرفوع به ضمّه      خبر و مرفوع به ضمّه      مضاف‌الیه و مجرور به کسره

فَحَصَّ      الطَّبِيْبُ      اَسْنَانَ      الْوَالِدِ      الصَّغِيْرِ

فاعل و مرفوع به ضمّه      مفعول و منصوب به فتحه      مضاف‌الیه و مجرور به کسره      صفت و مجرور به کسره

**کھ اختیر نفسک (۲): عین الصفة و المضاف إليه، ثم اذكر إعرابهما.**

۱- رَضَا اللهُ فِي رِضَاِ الْوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است.

الله: مضافُ الیه و مجرور به کسره / الوالدین: مضافُ الیه و مجرور به (ی)

۲- سَكُوتُ الْإِنْسَانِ سَلَامَةٌ لِلْإِنْسَانِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

سکوت زبان (موجب) سلامتی انسان است.

الإنسان: مضافُ الیه و مجرور به کسره / الإنسان: مضافُ الیه و مجرور به کسره

۳- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَيَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

انسان ناتوان دروغ می گوید و انسان قدرتمند راست می گوید.

الضعيف: صفت و مرفوع به ضمّه / القوي: صفت و مرفوع به ضمّه

۴- أَلْطَّلَابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ.

دانش آموزان مؤدب نزد معلمان قابل احترام هستند.

المؤدَّبون: صفت و مرفوع به (و) / المُعلِّمين: مضافُ الیه و مجرور به (ی)

۵- أَلَشَّعْبُ الْعَالَمِ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

ملت دانا ملتی موفق هستند.

العالم: صفت و مرفوع به ضمّه / ناجح: صفت و مرفوع به ضمّه

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه‌گفت‌وگویی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جواز برگرد

(في الصيدليّة)

در داروخانه

◆ الـحاجّ (حاجی)	◆ الـصيدليّ (داروخانه دار)
عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصَفَةٌ وَ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ <sup>3</sup> الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ. - ببخشید، نسخه ای ندارم و این داروهای نوشته شده بر روی برگ را می‌خواهم.	أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: - برگ را به من بدهید (بده)، مَحْرَارٌ <sup>4</sup> ، حُبُوبٌ مُسَكِّنَةٌ لِلصِّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبْسُولٌ أَمْبِيسِيلِينِ، قُطْنٌ <sup>5</sup> طَبِيّ، مَرَهَمٌ لِحَسَّاسِيَةِ الْجِلْدِ <sup>6</sup> ... - دماسنج، قرص‌های مسکن سردرد، قرص‌های آرام‌بخش، کپسول آمپی‌سیلین، پنبه طبی، پماد برای حساسیت پوست ... لَا بَأْسَ، لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِينِ. - اشکالی ندارد، ولی آمپی‌سیلین به شما نمی‌دهم.
لِمَاذَا، أَمَا عِنْدَكُمْ؟ - چرا؟ آیا ندارید؟	لَا؛ عِنْدَنَا، وَلَكِنْ بَيْعُهَا بِدُونِ وَصَفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ. - نه، داریم، ولی فروش آن بدون نسخه، غیرمجاز است (مجاز نیست یا ممنوع است).
شُكْرًا جَزِيلًا، يَا حَضْرَةَ الْصَيْدَلِيِّ. - خیلی ممنون، آقای داروخانه‌دار.	لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟ - برای چه کسی این داروها را می‌خری؟
أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ. - برای همراهانم در کاروان می‌خرم.	الْشِّفَاءَ مِنَ اللَّهِ. - درمان از جانب خداست.

۱- صیدلیّة: داروخانه

۲- صیدلیّ: داروخانه دار

۳- أدویة: داروها «مفرد: دواء»

۴- محرار: دماسنج

۵- قطن: پنبه

۶- جلد: پوست





## کلمات التمارین برگرد

● التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَي كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

۱- آلهٌ لِلإِطْلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَالْجَوِّ. ﴿محرارٌ﴾  
ترجمه: ابزاری است برای آگاه شدن از دمای بدن و هوا ﴿دماسنج﴾

۲- يَوْمَ الأَسْتِرَاحَةِ لِلْمُوْطَفِينَ وَالْعُمَّالِ وَالطُّلَّابِ. ﴿أعطلةٌ﴾  
ترجمه: روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش آموزان ﴿تعطیلی﴾

۳- مَنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ البِحَارِ وَالمُحِيطَاتِ. ﴿شاطئٌ﴾  
ترجمه: منطقه خشکی کنار دریاها و اقیانوسها ﴿ساحل﴾

۴- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَالِ وَاسْتَلَامِهَا. ﴿أَلْبَرِيدِ﴾  
ترجمه: اداره‌ای برای تحویل دادن و تحویل گرفتن نامه‌ها ﴿اداره پست﴾

۵- نَبَاتٌ يَعْطِي مَرّاً أبيضَ اللونِ. ﴿القُطْنِ﴾  
ترجمه: گیاهی که میوه سفید رنگ می‌دهد ﴿پنبه﴾

۶- مَكَانٌ لِبَيْعِ الأَدْوِيَةِ. ﴿الصَّيْدَلِيَّةِ﴾  
ترجمه: جایی برای فروش دارو ﴿داروخانه﴾

● التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعُ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

تراث (میراث) / قُبَّة (گنبد) / جِلْدِي (پوستی) / رَائِعَةٌ (جالب) / السِّيَاحِي (گردشگری) / الرِّيفِ (روستا) / الحَلَوِيَّاتُ (شیرینیجات)

۱- كَانَ لِصَدِيقِي<sup>۱</sup> مَرَضٌ ..... فَذَهَبَ إِلَى المُسْتَشْفَى. [كَانَ + ل = داشت] ← جِلْدِي  
﴿دوستم بیماری (پوستی) داشت پس به بیمارستان رفت.﴾

۲- قَرَأْتُ قَصِيدَةً ..... لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي. ← رَائِعَةٌ  
﴿قصیده‌ای (جالب) از ملک الشعراء احمد شوقی خواندم.﴾

۳- جَلَسْنَا تَحْتَ ..... شاهِ شِراغِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَدِينَةِ شِيرَاز. ← قُبَّة  
﴿در شهر شیراز زیر (گنبد) شاه چراغ - درود بر او باد- نشستیم.﴾

۴- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الجَذَبِ ..... فِي إِيرانِ. ← السِّيَاحِي  
﴿همانا کردستان از مناطق جذب (گردشگری) در ایران است.﴾

۵- الأَعِيشُ فِي ..... جَمِيلٌ جِدًّا. ← الرِّيفِ  
﴿زندگی در (روستا) بسیار زیباست.﴾

## ● التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ۱- رأينا ..... من أمريكا الوسطى في المتحف.  
 سائحان  سائحين  
 ﴿در موزه، دو گردشگر از آمریکای مرکزی را دیدم.﴾  
 (سائحین): چون مفعول منصوب است در جمع مذکر به (ی)
- ۲- ساعدت ..... المرأة التي تصادمت بالسيارة.  
 الممرضتان  الممرضتين  
 ﴿دو پرستار به زنی که با ماشین تصادف کرده بود، کمک کردند.﴾  
 (الممرضتان): فاعل و مرفوع به الف
- ۳- حزن ..... في قلوبهم لا في وجوههم.  
 المؤمنون  المؤمنین  
 ﴿اندوه مؤمنان در دلهایشان هست نه در چهره‌هایشان.﴾  
 (المؤمنین): مضاف الیه و مجرور به (ی)
- ۴- ..... وقفًا في بداية الساحة الأولى.  
 الشرطيان  الشرطيين  
 ﴿پلیس‌ها در ابتدای میدان اولی ایستادند.﴾  
 (الشرطيان): مبتدا و مرفوع به الف
- ۵- ..... حاضرون في مهرجان المدرسة.  
 المعلمون  المعلمين  
 ﴿معلم‌ها در جشنواره مدرسه حاضر هستند.﴾  
 (المعلمون): مبتدا و مرفوع به واو
- ۶- نزل ..... من طائراتهم الحربية.  
 الطيارون  الطيارين  
 ﴿خلبانان از هواپیماهای جنگی‌شان پیاده شدند.﴾  
 (الطيارون): فاعل و مرفوع به واو

## ● التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمَعْرَبَةَ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَوَاعِدِ.

- |  |  |   |   |
|--|--|---|---|
| 1- سَعِيدٌ <input checked="" type="checkbox"/> | كَيْفَ <input type="checkbox"/>              | هُوَ <input type="checkbox"/>               | كُمُ <input type="checkbox"/>                 |
| 2- هَذَا <input type="checkbox"/>              | هُؤُلَاءِ <input type="checkbox"/>           | اللَّهُ <input checked="" type="checkbox"/> | ذَلِكَ <input type="checkbox"/>               |
| 3- هِيَ <input type="checkbox"/>               | أَنْتِ <input type="checkbox"/>              | نَحْنُ <input type="checkbox"/>             | صَحِيفَةٌ <input checked="" type="checkbox"/> |
| 4- بَرِيدٌ <input checked="" type="checkbox"/> | أَوْلَادُكَ <input type="checkbox"/>         | تِلْكَ <input type="checkbox"/>             | هَذِهِ <input type="checkbox"/>               |
| 5- هَلْ <input type="checkbox"/>               | فُسْتُقٌ <input checked="" type="checkbox"/> | أَيْنَ <input type="checkbox"/>             | مَتَى <input type="checkbox"/>                |

## ● التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

۱- ﴿هَلْ جَزَاءَ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

﴿ترجمه: آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟﴾  
 -الإحسان: مضاف الیه و مجرور به کسره

۲- خَيْرَ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ترجمه: بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند.

-الناس: مضاف الیه و مجرور به کسره

-الناس: مفعول و منصوب به فتحه

۳- أَلَدَّهْرَ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه: روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به زیان تو.

-يَوْمَانِ: خبر و مرفوع به (الف)

۴- جَمَالَ الْعِلْمُ نَشْرَهُ وَ مَهْرَتَهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ترجمه: زیبایی علم گسترش آن است و نتیجه اش (میوه اش) عمل کردن به آن است.

-نَشْرَهُ: خبر و مرفوع به ضمه

-مَهْرَهُ: مبتدا و مرفوع به ضمه

۵- اسْتَخْرَجَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

ترجمه: کشاورزان آبی از چاه روستا استخراج کردند.

-الْفَلَاحُونَ: فاعل و مرفوع به (و)

-ماء: مفعول به و منصوب به فتحه

۶- أَلْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

ترجمه: عقل سالم در بدن سالم است.

-السَّلِيمِ: صفت و مرفوع به ضمه